

۳۹- یا من ادخره الله لخدمة امره و اعلاء کلمته

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



۳۹- یا من ادخره الله لخدمة امره و اعلاء کلمته

یا من ادخره الله لخدمة امره و اعلاء کلمته، آنچه مرقوم فرموده بودید قرائت و تلاوت گردید. حمد جمال قدم را که ناطق براحت و آسایش و الفت و محبت قلوب و انس و اتحاد نفوس بود حمداً له ثم شکراً له. از جمله مضامین ذکر وقع امر در انظار بود عزّت و عظمت امر الله در انقطاع و علو امتناع و خلوص و تحمل بلایا و جانفشانی احباء الله فی سبیل الله است.

اگر چنانچه این عباد همیشه در مهد امن و امان و در مأمن آسایش دل و جان بیارمیم و در بستر پر و پرنیان بیاسائیم نه ذبی باشد و نه ابن ذئب و نه ظلّی باشد و نه ظلّتی نه مشقّتی و نه کلفتی نه بلائی و جفائی و نه زحمتی این عباد نیز مثل سائر امم گردیم و حقوق ملیّت در مواقع و مراکز سیاست محفوظ و مصون ماند. ملاحظه فرمائید که حضرت اعلی روحی له الفدا و جمال قدم فدیت احبائه الثابتین بروحی و نفسی چه محن و بلایا و رزایا در سبیل اعلاء کلمة الله تحمل فرمودند آن صدر مبارک هزار تیر رصاص بر آن وارد شد و آن گردن مقدّس در زیر زنجیر در زندان چاه ظلمانی مدّتی مدید آزرده و خسته گشت و در مدّت پنجاه سال در اکثر موارد باعظم شدائد مبتلا. از اول ابداع تا بحال چنین واقعه ئی در حقّ احدی واقع نشده و در تاریخی مذکور نه که نفسی از محلات نفی و سرگون بحالات نفی و سرگون اعظم از آن نفی و سرگون گردد مگر مظلوم آفاق روحی لضرّه الفدا. از ایران بعراق در فصل شدت سرما و کثرت برف و باران با اهل و اطفال و فقدان جمیع اسباب و از عراق بمدینه کبیره و از آنجا بادرنه و از آنجا باین زندان بلا و قلعه خرابه عظمی که ذکرش در السن و افواه سبب استیحاّش میگردد. این چنین بلایا و متتبعه و رزایا مترادفه در هیچ عهد و عصری واقع نشده نهایت



ORIGINAL



AUDIO

اینست که عظمت امر و قدرت و قوت حق و علو و امتناع مظهر ظهور چنان واضح و مشهود بود که اعین و انظار حیران میگشت و ناس و حکام و ضباط و ارکان مملکت طوعاً و کرهاً خاضع و خاشع بودند و اگر کسی باین سبب اعظم وارد میشد گمان نمینمود که این عباد مسجونند بلکه عظمت آن بر ارکان عالم احاطه نموده بود هر کس می دید حیران میگشت و الا در نفسی آن ذات مقدس از آلام و بلائای بی حد و پایان آرام نداشتند.

حال با وجود این صدمات شدیدة جمال قدم چگونه توان آسایش بجهد دردمندان طلبید و یا آرایش بجهد دوستان خواست؟ بلا را باید بدعا از خدا خواست و مصائب را بجان و دل باید آرزو داشت. حضرت اعلی روحی له فدا میفرماید خدایا اگر بلائای سبیل تو نبود ابدأ من قبول نمینمودم که باین عالم آیم و در قبص جسمانی در آیم. از خدا بخواهید که تأییدات بلائیه را در هیچ وقت مقطوع ننماید در حین نزول بلاء اهل ثبوت و رسوخ چون شمع و جوهششان روشن گردد و ترقی در جمیع مراتب نمایند و ضعفاء فرار اختیار کنند و مضطرب شوند و متزلزل گردند. شما از تعرضات مشرکین محزون نشوید از نحوودت بعضی دوستان محزون شوید که با وجود آنکه جمال قدم روحی لتراب اقدامه فدا مدتی مدیده ما را بانواع الطاف و احسان و اعطاف و رحمت کبری تربیت فرمودند که الیوم چون شعله عظمی آتش بقلوب آفاق زنیم، افسردگی چیست پز مردگی چه، وقت خدمت امر الله است حین نشر نفعات الله و انقطاع از ماسوی الله.

